

نگاهی به ۴۰ سال ادبیات کودک و نوجوان

سبقت آزاد!

اسلام راهکاری برای اقتصاد ندارد و چشم‌شان به اقتصاد لیبرال است، اگر یک راهکار و نظریه اقتصادی براساس احادیث، با قال صادق و قال باقر بگویم، قبول نمی‌کنند. اما قال صادق و قال باقر را از ابتدای آن برداریم، قبول می‌کنند. «می‌خواهم بگویم اگر دنبال سخنان اهالی ینگه‌دنیاهم هستید، برایتان از آلبرت انیشتین مثال می‌زنم. آقای E=MC۲ هم راجع به کتاب گفته است: «نحوه افکار و اندیشه‌های انسان طوری است که ممکن است فقط خواندن یک کتاب پایه‌اندیشه‌ها و افکار او را بر مبنای جدید یا در مسیر خاص قرار دهد و چه بسا کتابی مسیر سرنوشت میلیون‌ها انسان را در راه مخصوص بیندازد. « بنابراین، هر جور که دوست دارید فکر کنید، ولی کتاب بخوانید و اگر پدر و مادر هستید، برای فرزندان‌تان کتاب بخرید و کتاب بخوانید.

بررسی سیر تحول ادبیات کودک و نوجوان از دوران پیش از انقلاب تا امروز، یعنی ایامی که در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی ایستاده‌ایم، موضوع این گزارش است.

به این موضوع هم نگاه آماری داریم هم نگاه تحلیلی. خواندن مقالات تربیت کودک و نوجوان نشان می‌دهد اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه به نقش مطالعه بر تربیت صحیح بچه‌ها تاکید دارند. تاکید بر مطالعه کتاب موضوعی است که می‌توان رد آن را در سخنان ائمه معصومین (ع) و پیامبر اسلام(ص) و بزرگان و صاحب‌نظران معاصر نیز دنبال کرد. حضرت امام جعفر صادق(ع) درباره

محسن صالحی‌خواه

روزنامه‌نگار

کتاب و تربیت کودک

شاید فکر کنیم کتاب کودک و نوجوان چون برای بچه‌هاست، اهمیتش کم است، اما این بخش از ادبیات به‌خصوص ادبیات داستانی اگر اهمیتی بیشتر از ادبیات بزرگسالان نداشته باشد، به همان اندازه مهم و نیازمند توجه است. کودکان از وقتی یاد می‌گیرند بنشینند و صفحه‌های یک کتاب را ورق بزنند تا وقتی که به مرز جوانی می‌رسند، به کتاب نیاز دارند. در مقاله‌ای که سایت KIDSHEALTH منتشر کرده و در سایت تبیان درج شده، آمده است: «کودکان در ماه‌های اولیه زندگی با پاره کردن و ورق زدن کتاب‌ها در واقع نوعی ارتباط با کتاب و دنیای مطالعه برقرار می‌کنند. واکنش‌های مثبت یا منفی والدین به این امر می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد علاقه یا بی‌میلی کودک به کتاب در سال‌های بعدی زندگی او و حتی در بزرگسالی شود.

اغلب والدین گمان می‌کنند بچه‌ها از اسباب‌بازی بیشترین لذت را می‌برند و مدام در حال تهیه اسباب‌بازی برای آنها هستند و به نقش کتاب به‌عنوان نوعی سرگرمی برای آنها نگاه می‌کنند، اما براساس یافته‌های اخیر اسباب‌بازی‌ها نقش کمتری در رشد ذهنی کودک نسبت به کتاب دارند، به‌طوری‌که در کشورهای پیشرفته وجود کتابخانه در اتاق کودک حتی از تختخواب او مهم‌تر است و کتاب‌ها نقش بسیار زیادی در پرورش قوای ذهنی کودکان دارند.

کودک در ماه‌های اولیه زندگی با پاره کردن کتاب نوعی تخلیه انرژی می‌کند و پس از آن به آرامشی درونی می‌رسد که این آرامش برایش توام

ما و کتاب کودکان

بررسی آمارهای منتشرشده در سایت خانه کتاب نشان می‌دهد آمار مشخصی از شمارگان و جزئیات کتب ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های قبل از انقلاب به صورت جمع‌آوری‌شده وجود ندارد، اما جستیه و گریخته در مقالات دانشگاهی می‌توان آمارهای پراکنده‌ای مربوط به سال‌های قبل از انقلاب پیدا کرد. نگاهی اجمالی به این آمارها نشان می‌دهد میزان کتب تالیفی کودک و نوجوان طی آن سال‌ها کمتر از نصف آمار نشر کتب برای این گروه سنی را به خود اختصاص داده است. یکی از این آمارهای ذکرشده، تعداد کتب مربوط به کودکان طی سال‌های ۴۶ تا ۵۶ را به‌طور متوسط سالانه ۱۵۴ عنوان ذکر کرده که بخش زیاد آن برگردان آثار خارجی بوده است، اما با بررسی و ارائه آمارها در این گزارش بیان خواهیم کرد که نشر کتب کودکان طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی روندی روبه افزایش داشته است.

برخی از معروف‌ترین کتاب‌های ادبیات این گروه سنی متعلق به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی است. مهدی آذریزدی، نویسنده مشهور ادبیات کودک که در سال ۱۳۸۸ دار فانی را وداع گفت، اولین کتاب از معروف‌ترین مجموعه اثر خود یعنی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را در سال ۱۳۳۶ منتشر کرد؛ کتاب‌هایی که طی سال‌های متمادی مورد توجه قرار گرفتند و در سال ۱۳۴۳ نیز جایزه یونسکو را نصیب نویسنده کرد. البته مهدی آذریزدی این موفقیت‌ها را سال‌ها ادامه داد و تا زمانی که توان داشت، برای کودکان و نوجوانان قصه‌هایی نوشت که نقشی کلیدی در تربیت آنان داشت. چون موضوع گزارش مربوط به آثار این گروه سنی است، به دیگر روایای شخصیت ادبی استاد آذریزدی نمی‌پردازیم، وگرنه بزرگسالان نیز او را با اثر ارزشمند تصحیح مثنوی مولوی به یاد دارند.

هوشنگ مرادی کرمانی، دیگر نویسنده شهر ایران زمین که به حمد خدا در قید حیات است نیز معروف‌ترین اثر خود یعنی قصه‌های مجید را در سال ۵۳ نوشت؛ کتابی که بعد از انقلاب در سال ۶۴ در اوج روزهای جنگ مورد تقدیر قرار گرفت و جایزه کتاب برگزیده سال را در دستان نویسنده گذاشت. استاد مرادی کرمانی طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی نیز به نویسندگی برای کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان ادامه داد و جزء نویسندگانی بود که این اقبال را داشت تا آثارش مورد توجه سینماگران قرار گرفته و بر پرده نقره‌ای نقش ببندد و البته کدام نسل است که با مجموعه تلویزیونی قصه‌های مجید خاطره نداشته باشد؟

نگاهی به کیفیت کتاب کودکان

قبل از اینکه بخواهم بخش پایانی گزارش را بنویسم پیشاپیش عذرخواهی می‌کنم اگر احیاناً حرفی می‌زنم که غلط از آب دربیاید. البته بعید می‌دانم این‌طور شود زیرا از لحاظ سنی دیگر در گروه کودک و نوجوان دسته‌بندی نمی‌شوم اما اخبار فرهنگی را دنبال می‌کنم. کافی است چرخي در صفحه فرهنگی روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها بزنید تا متوجه شوید آنهایی که کتاب برای کودکان و نوجوانان می‌نویسند یا ترجمه می‌کنند از عدم رونق بازار کارشان صحبت می‌کنند، چون بچه‌های ایرانی به اندازه بچه‌های خارجی کتاب نمی‌خوانند. این حقیقت را باید چندطرفه ببینیم. از یک طرف بچه‌ها مثل بزرگ‌ترها درگیر دنیای دیجیتال هستند و شاید حوصله‌شان نمی‌کشد کتاب ورق بزنند. دوست دارند مثل مامان که احیاناً سریال ترکیه‌ای می‌بیند و پدر که کشتی کج دوست دارد، آنها هم کارتون‌های موردعلاقه‌شان را نگاه کنند و البته، به بازی‌های جدیدی که روی تبلت هست برسند. وقتی پدر و مادرها کتاب نخواند، احساس نیاز در کودک نیز ایجاد نمی‌شود و بزرگسالی که خودش کتاب نخواند، حوصله ندارد برای بچه‌اش هم کتاب بخواند.



با شادی خواهد بود و او در بزرگسالی می‌آموزد که با کتاب می‌تواند به آرامش و شادی برسد و این حسن در وی نهادینه می‌شود. گروهی از محققان بر این باورند نه‌تنها علاقه به کتاب امری وراثتی نیست، بلکه ما می‌توانیم این امر را در کودک خود تقویت یا تضعیف کنیم. « بنابراین نویسندگان در دنیا توجه زیادی به ادبیات برای کودکان و نوجوانان دارند و سهم زیادی از کتاب‌های منتشرشده راهی کتابخانه بچه‌ها می‌شوند.



اما جالب است که سیر تحول ادبیات کودک و نوجوان را از زبان مصطفی رحماندوست بخوانیم. او نیاز به معرفی دارد؟ رحماندوست در ۱۹ تیرماه امسال مهمان رادیو گفت‌وگو بود و درباره ادبیات کودک صحبت کرد. وی در این باره گفت: «هم حوزه مسئولیت‌های اجتماعی، اداری و دولتی و هم حوزه شخصی و خانوادگی باید به یاد بیاورند که چیزی به نام ادبیات و کتاب و شعر کودکان و همچنین موجودی به نام کودک وجود دارد. واقعیت موضوع این است تا ۴۰ سال پیش و قبل از انقلاب اصلاً ادبیات کودکان مطرح نبود، اما سال‌های بعد از انقلاب، ادبیات کودکان رشد زیادی کرد و توجه ویژه‌ای به آن شد. هرچند شرایط امروز اصلاً مطلوب نیست، اما کتاب کودک و کتاب خواندن برای کودکان وجود دارد و آرام‌آرام دارد به یک پز اجتماعی تبدیل می‌شود.»

از حرف‌های این نویسنده و شاعر قدیمی حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان باید این‌طور نتیجه بگیریم که بعد از وقوع انقلاب اسلامی به حوزه کتاب کودکان توجه شد و تا امروز راه‌یادی را آمده‌ایم. هرچند نسبت به کشورهای دیگر دچار ضعف‌های زیادی هستیم و باید نقاطی را که خطا رفته‌ایم آسیب‌شناسی و اقدام به رفع آنها کنیم.

من هم گوشه‌ای به صحبت‌های استاد رحماندوست اضافه می‌کنم مبنی بر اینکه باید بیشتر تولیدکننده کتاب کودک و نوجوان باشیم تا مصرف‌کننده کتاب‌های دیگران، چون ما صاحب فرهنگی غنی و اصیل هستیم و می‌توانیم در این حوزه حرفی برای گفتن داشته باشیم.

تحول در درونمایه

محسن پرویز که در دو دولت احمدی‌نژاد، معاونت فرهنگی وزارت ارشاد را برعهده داشت و خودش در جرگه نویسندگان و داستان‌نویسان دسته‌بندی می‌شود، در این خصوص مقاله‌ای دارد. در این مقاله که با عنوان «تحول در ادبیات‌داستانی کودکان و نوجوانان پس از انقلاب اسلامی» برای کنگره بررسی تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر (۱۳۷۷ اصفهان) نوشته شده، آمده است:

«تغییر و تحول کیفی داستان پس از انقلاب کاملاً چشمگیر بوده است. در داستان‌های مجلات خاص کودکان و نوجوانان پس از انقلاب، شاهد حذف کامل داستان‌هایی هستیم که به دنبال فرهنگ مصرفی در رژیم گذشته وارد مطبوعات کودکان شده بودند. جای آنها را داستان‌هایی گرفت که با نگاهی صریح وبدون واسطه به جامعه و مسائل آن، به انقلاب و ارزش‌های آن نظر داشتند. در این داستان‌ها، جنگ، شهادت، ارزش‌های خاص انقلاب و افشاگری علیه استکبار و استعمار به صورت‌های گوناگون محور و اساس داستان‌ها قرار می‌گیرند. « تاریخ نیز در این داستان‌ها، واقعی است. در این داستان‌های تاریخی، هرگز از اشرافیت، بتی برای پرستش ساخته نمی‌شود و پرداخت‌های دروغین و کاذب از این قشر داده نمی‌شود. در کنار همه اینها، ضعف بزرگی در سال‌های اول پس از انقلاب دیده می‌شود که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب- با توجه به بازار خوب کتاب‌های کودکان- آثاری به چشم می‌خورد که با دستاویز قراردادن موضوعات مذهبی (نظیر غزوات پیامبر(ص) و تاریخ صدر اسلام) داستان‌های کم‌ارزشی آفریده‌اند که به شمارگان بی‌نظیری (تا آن زمان) -مثلاً ۲۵۰ هزار نسخه- نیز دست یافته‌اند! اما این نقیصه، با گذر ایام کم و کمتر شد.

همه آنچه ذکر شد، درباره دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود و به نظر نگارنده، دهه اول پس از انقلاب را باید دوران گذار و دوره نضج‌گیری ادبیات کودکان و نوجوانان نامید و تازه پس از این دهه است که ادبیات انقلاب اسلامی به سوی شکوفایی خود گام برمی‌دارد. در سال‌های اولیه پس از انقلاب، نویسندگان مطرح کودکان و نوجوانان، محدود به گروه اندک نویسندگان باقی‌مانده از دوران قبل از انقلاب و تعداد انگشت‌شمار نویسندگانی بود که در سال‌های اول پس از انقلاب در مراکز فرهنگی مختلف گرد هم آمده بودند. نگاهی به آثار منتشرشده قبل از سال ۱۳۶۷ نشان می‌دهد بسیاری از کتاب‌های منتشرشده در این سال‌ها (مخصوصاً آثار منتشره در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳) نوشته

نگاه آماری

جست‌وجویی در پایگاه اطلاعاتی سایت خانه کتاب، آمار دقیقی از کمیت انتشار کتاب مخصوص گروه سنی کودکان و نوجوانان در اختیارمان قرار می‌دهد. این آمار مربوط به کتاب‌های منتشرشده از سوی ناشران تهرانی است. طبق داده‌های این مرجع، در دهه اول انقلاب یعنی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ و سال پایان جنگ، ۵۳۷۲ عنوان کتاب کودک در ایران منتشر شد.

در دهه اول، برتری عددی با کتب نویسندگان ایرانی بود.

از این تعداد عناوین چاپ‌شده کتاب در این بازه زمانی، ۴۰۶۳ عنوان تالیفی و ۱۳۰۹ عنوان کتب ترجمه شده است و اگر دقیق‌تر بخواهید، حدودانیمسی از کتاب‌ها چاپ اول و نیم‌سی دیگر تجدیدچاپی هستند. آمار سال‌های ۶۸ تا ۷۸ به ما می‌گوید ۱۷۸۵۰ عنوان کتاب طی این ۱۰ سال در بازار نشر ایران چرخیده‌اند. ۱۱۸۹۸ عنوان کتاب‌های نویسندگان ایرانی بوده‌اند و تنها ۵۹۵۲ عنوان کتاب از زبان‌های دیگر به فارسی برگردانده شدند. از میان این کتاب‌ها، ۶۸۷۷ عنوان کتاب‌های چاپ اول و ۱۰۹۷۳ تجدیدچاپی بوده‌اند. در دهه سوم این سال‌های آماری، یعنی از سال ۷۹ تا ۸۹ این آمار به ۵۵۸۹۰ عنوان رسیده است. ۳۵۴۱۴ عنوان نشأت گرفته از قلم نویسندگان ایرانی و ۲۰۴۶۷ عنوان ناشی از هنر مترجمان. ۲۲۸۳۱ کتاب چاپ اول و ۳۳۰۵۹ عنوان تجدیدچاپ شده.

و در آخر می‌رسیم به سال ۹۰ تا ۱۲ فروردین ۹۷. طبق آمار رسمی خانه کتاب، در این هفت سال و اندی تعداد عناوین کتاب کودک و نوجوان چاپ‌شده در تهران ۷۲۴۴۵ بوده است، با ۴۲۲۷۲ کتاب تالیفی و ۳۰۱۷۳ عنوان کتاب ترجمه‌ای. ۳۰۳۱۵ کتاب چاپ‌اولی و ۴۲۱۳۰ مورد هم تجدیدچاپی بوده‌اند. یعنی یک حساب سرانگشتی با ماشین حساب

اما آن سوی قصه چیست؟ شاید کیفیت آثار داستانی‌مان برای کودکان طی این سال‌ها در مجموع قابلیت رقابت جدی با کتاب نویسندگان خارجی را نداشته است. دلیل این فاصله کیفیتی هم می‌تواند به فاکتورهای متعددی اشاره داشته باشد که از موضوع و حوصله این گزارش خارج است. چون انقلاب اسلامی یک رویداد بزرگ بود که تحولی فرهنگی در دل خود داشت، ادبیات ما نیز در محتوا دستخوش تغییراتی شد که پیش از این به بخشی از آن اشاره کردم. البته در این سال‌ها همواره کسانی بوده‌اند که دوست داشتند ساز مخالف بزنند و البته در ظاهر نویسنده و در باطن خواه یا ناخواه عامل دشمنان این مردم و فرهنگ این کشور بوده‌اند؛

اما نتوانستند این موج تغییر را متوقف کنند.

در این سال‌ها کارهای بسیار خوبی در حوزه کودکان صورت گرفته که با فرهنگ ایرانی - اسلامی همخوانی دارد. به آثار ضعیف نمی‌پردازیم، اما این آثار خوب قربانی عدم تبلیغ کتاب و بهره‌برداری از داستان‌ها در قالب فیلم و انیمیشن می‌شوند. خوب است در آستانه چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی به این حقیقت



همین نویسندگان بوده‌است. بسیاری از نویسندگان امروزی کودکان و نوجوانان برخاسته و تربیت‌یافته مرکزی هستند که پس از انقلاب دایر شده‌اند. بیشتر آنها اولین آثار خود را در دهه ۶۰ منتشر کرده‌اند که حداقل ۵۰ نفر از این دست نویسندگان را می‌توان نام برد. در دهه دوم پس از انقلاب، سختگیری منتقدان و صاحب‌نظران بیشتر شده و حتی آثار ارزشمندی که در این دوره پدید آمده‌اند، از تیغ تیز منتقدان در امان نمانده‌اند که به‌نظر می‌رسد این موضوع، خود باعث افزایش هرچه بیشتر کیفیت آثار خواهد شد.

یکی دیگر از نکات مثبت این دوره، تلاش نویسندگان برای بازآفرینی قصه‌های قرآنی و داستان‌های مذهبی است. به دیگر سخن، برخی نویسندگان تلاش کرده‌اند با الهام گرفتن از قصه‌های مذهبی، یک داستان واقع‌گرا با اثر و زبان امروزی بیافرینند؛ کاری که پیش از این متداول نبود.

ایجاد «ادبیات روستایی» از دیگر تحولات رخ داده پس از انقلاب است. پیش از انقلاب پرداختن به روستاها، در حد تمسخر روستاییان با دستاویز قراردادن روستا برای بیان مطالب خود، آن هم در آثار بزرگسالان؛ مثلاً «عزاداران نیل» نوشته غلامحسین ساعدی و احیاناً ریشخند عقاید مذهبی جامعه و آمیختن آن با خرافات بود. اما پس از انقلاب محل وقوع برخی داستان‌های نوجوانان، روستاست، آن هم روستاهای واقعی با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش. برخی نویسندگان نوشتن را با ادبیات روستایی آغاز می‌کنند و اولین اثرشان مربوط به روستاست. مثلاً «پسر خنم‌آغا» نوشته محسن مومنی.



این لپ‌تاپ قدیمی من نشان می‌دهد از سال ۵۷ (بله می‌دانم انقلاب در بهمن‌ماه پیروز شد و طول کشید ساختارهای اداری تجدیدسازمان پیدا کنند و بخشی از کتاب‌ها مربوط به دوران پهلوی دوم است) تا امروز بیش از ۱۵۱ هزار عنوان کتاب کودک و نوجوان به چاپ رسیده است. برانداز کردن این آمارها نشان می‌دهد طی این ۴۰ سال از لحاظ کمی در حوزه نشر کتاب کودک و نوجوان رشد داشته‌ایم. همچنین همین عدد و رقم‌ها نشان می‌دهد میزان آثار خارجی ترجمه‌شده به زبان شیرین فارسی نیز افزایش چشمگیری داشته است. به روایت دقیق‌تر، از دهه ۸۰ به بعد کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان‌های خارجی- عمدتاً زبان انگلیسی- روی نمودار به سمت بالا حرکت کرده‌اند.

فکر کنیم که کودکان وقتی کتاب‌هایی بخوانند که از فرهنگ همین کشور سرچشمه گرفته‌اند، برای ساختن و پیشرفت این سرزمین تلاش می‌کنند و آن زمان است که به این آب و خاک تعلق خاطر دارند. کودکی که کتاب متعلق به فرهنگ ایرانی را می‌خواند، برای همین فرهنگ تربیت می‌شود و هویت خود را می‌شناسد. خوب است زمانی که کودک یا نوجوان ما برای خرید کتاب به کتابفروشی می‌رود، بین خریدن یک فانتزی ایرانی یا خارجی یا کتاب مصور ایرانی - خارجی حق انتخاب داشته باشد، نه اینکه از کنار کتاب‌های ایرانی بگذرد و بدون اینکه نگاهی به فقهه آنها بیندازد، با یک جلد فانتزی یا شاید هم داستان علمی - تخیلی خارجی از فروشگاه بیرون برود. به وجود آوردن این حق انتخاب با گسترش نگاه‌مان به حوزه کتاب کودک (و بزرگسال) بستگی دارد؛ باید تبلیغ کتاب به صورت مستقیم و غیرمستقیم احیا شود، اقتباس جای خود را در دنیای هنر هفتم ایرانی پیدا کند. ناشران و خانواده‌ها به نویسندگان ایرانی و آثارشان اعتماد کنند و نویسنده به این باور برسد که ادبیات داستانی ما لیاقت و ظرفیت پیشرفت را دارد.